

دانش؛ اهرم قدرتمند عرصه رقابت اقتصادی

◆ سید مهدی طبیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
و رئیس شورای سیاست گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان



که علم، دانش و فناوری در چرخه تولید ارزش در کنار توسعه مهارت‌های مدیریت دانشی، تقویت فرهنگ‌سازمانی، ارتقای بهره‌وری منابع (به‌طور خاص سرمایه و منابع انسانی) و نهایتاً موضوع بسیار مهم «دانش بازار» قرار بگیرد تا منجر به خلق ارزش افزوده شود. اما در این بین خلایبی به نام «ضعف ارتباط مؤثر صنعت و دانشگاه» وجود دارد که بارها و بارها در مورد آن صحبت شده، برای حل آن سمینارها و همایش‌ها برگزار شده، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری شده، اما همچنان می‌توان گفت، بار تقصیر «گره کور تحقق اقتصاد دانشی و ضعف استفاده کاربردی و مؤثر دانش در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقای بهره‌وری در بهره‌برداری از منابع کشور» بر دوش همین ارتباط ضعیف است. مسئله‌ای که لازمه حل آن تدوین مدلی جامع و همه‌جانبه برای حرکت دانشگاه‌ها به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و حرکت صنعت به‌سوی نسل چهارم صنعت است، تا از این طریق از طرفی زنجیره دانش تا فناوری در دانشگاه تکمیل شود و از سوی دیگر صنعت به توسعه فناوری‌های روز احساس نیاز کند و بالاتر از آن داوطلبانه حاضر به سرمایه‌گذاری برای ایجاد زیرساخت‌های تولیدات فناورانه و نوآوری‌های جدید باشد. فقط کافی است دقایقی خود را در سال ۱۴۲۱ تصور کنیم، تفاوت ایجاد شده در آن روز در حالت ادامه مسیر فعلی و تمرکز بر اقتصاد منابع محور و یا تحقق اقتصاد دانش‌بنیان و خلاقیت محور به‌خوبی می‌تواند ضرورت، فوریت و اولویت بسترسازی امروز را اثبات کند. ◆◆

صاحب‌نظران اقتصادی سه مرحله توسعه برای اقتصاد کشورها تصویر می‌کنند: اول، اقتصاد وابسته به عوامل طبیعی که در دل آن الزامات اساسی شامل فضای اقتصاد کلان، نهادها، زیرساخت‌ها، بهداشت و آموزش جای می‌گیرد. در مرحله دوم توسعه، اقتصاد رو به‌سوی افزایش کارایی می‌برد و با رویکرد تقویت بهره‌وری بر اساس شاخص‌های هدفمند در حوزه آموزش عالی و تربیت نیروی انسانی، کارایی بازارهای کالا و کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فنی و اندازه بازار هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند. نهایتاً در مرحله سوم توسعه، اقتصاد خلاق و خلاقیت محور ظهور می‌یابد و مهارت‌های کسب‌وکار و نوآوری به‌عنوان مهم‌ترین عوامل پیشرفت اقتصاد مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد نام‌گذاری سال ۱۴۰۱ به نام تولید، دانش‌بنیان، اشتغال آفرین از سوی رهبری معظم، بهترین فرصت گفتمان سازی و تمرکز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کشور برای تحقق اقتصاد خلاقیت محور و دانش‌بنیان باشد؛ اقتصادی که در آن محور اصلی نه دولت، بلکه بخش خصوصی و مردمی است و وظیفه دولت به‌طور مشخص تسهیلگری، بسترسازی، ظرفیت‌سازی، هدایت، حمایت و نظارت است.

امروز در دنیا شاخص‌هایی مثل حجم سرمایه و اندازه بازار جای خود را به بهره‌برداری مؤثر از دانش و تکنولوژی داده‌اند و این دانش است که نقش اساسی را در افزایش ثروت کشورها ایفا می‌کند. در حقیقت در دنیای امروز، دانش مهم‌ترین عامل برای افزایش مزیت‌های رقابتی و ایجاد ارزش افزوده است. طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته، به‌طوری که در آن سرمایه‌گذاری‌ها متمرکز بر استفاده‌های کاربردی از دانش است و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار دارند. عامل موفقیت این اقتصاد وابسته به دو ویژگی اصلی است: اول، درون‌زایی و دوم، برون‌گرایی، به این معنا که متکی به توانمندی‌ها و دانش داخلی است، اما با رویکرد تصاحب بازارهای جهانی با اقتصادهای جهان در تعامل است. به عبارت دیگر اقتصادی مبتنی بر پیشرفت‌های علمی مراکز علمی و پژوهشی، هم‌راستا با نیازها، تجارب و مهارت‌های صاحبان صنعت و بر پایه ایده‌های نوآورانه که خلق ارزش جهانی می‌کند، اما برخلاف تصور عام، دانش‌بنیان بودن تنها منحصر به در اختیار داشتن دانش فنی تولید یک محصول با فناوری نو نیست. دانش‌بنیان بودن باید به‌عنوان یک فرهنگ مدنظر باشد به این معنا